

اشاره: تاکنون دو جلد از آثار
مازیاری بیژنی توسط
انتشارات کیهان منتشر
شده است.
حوزه هنری به زودی
مجموعه جدیدی از کارهای
آورا به بازار عرضه می‌کند.
سید عبدالجواد موسوی
مقدمه‌ای بر این مجموعه
نوشته است که می‌خوانیم

اگر کمی منصف باشیم و
به کاریکاتورهای او از
منظر سیاست‌زدگی -
که بیماری شایع این
سال هاست - نگاه
نکنیم، کاریکاتوربستی
رامی بینیم که با همه
محدودیت‌هایی که یک
روزنامه‌نگار دارد خوب
توانسته است خود را از
آفات یکسوتنگری
سیاسی دور نگاه دارد.

ریشخند دلبه‌قچی

نگاهی به کارهای گاه‌به‌گاه مازیاری بیژنی
سید عبدالجواد موسوی

از عبارات نویسندگان موضع‌گیری کند، نمی‌تواند سیاسی نباشد، هیچ کاریکاتوربست روزنامه‌ای هم نمی‌تواند مدعی باشد که کار هنری صرف انجام می‌دهد و یا فقط دغدغه مسائل فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی را دارد و به مسائل سیاسی بی‌اعتناست. بیژنی نیز از این قاعده مستثنی نیست. به ویژه که او در آن سال‌ها در یکی از سیاسی‌ترین روزنامه‌های این مملکت کاریکاتور کشیده است. و شاید اغلب ما او را از روی همان

کاریکاتور مطبوعاتی را خارج از سیاست نمی‌توان ارزیابی کرد چرا که مطبوعات را نمی‌توان فارغ از سیاست ارزیابی کرد. سیاست و روزنامه‌چندان در هم آمیخته‌اند که به جرات می‌توان گفت روزنامه‌ای که فارغ از جهت‌گیری سیاسی یا به عبارتی صحیح‌تر فارغ از وابستگی سیاسی باشد نمی‌توان یافت. بالطبع کاریکاتور که اغلب وظیفه انتشار مقاله‌های بی‌متن را در روزنامه بر عهده دارد و قرار است سریع‌تر و برنده‌تر

کاریکاتور هاست که می‌شناسیم. منتهی:

۱. مازیار بیژنی منتقد اهل قدرت است. منتقدی صریح و تلخ زبان. او به خوبی می‌داند که اگر بخواهد با اهل قدرت "شوخی" کند، نه تنها مرهمی بر زخم‌های بی‌شمار ستمدیدگان و فرودستان ننهد که ویتترین دموکراسی اهل قدرت را تزیین کرده و خواسته و ناخواسته به تحکیم پایه‌های قدرت آنان مدد رسانده است. و این چیزی نیست که روح آرمانگرایانه و عدالت‌طلبانه بیژنی بدان راضی باشد. اگر از سر اتفاق به یکی از کاریکاتورهای بیژنی در روزنامه بر می‌خوریم شاید این شبهه در ذهن پدید می‌آید که او به نفع جناح خاصی از اهل سیاست وارد گود شده است. چرا که او همواره صراحتاً نهاد‌های رسمی حکومت را به باد انتقاد می‌گیرد. فی‌المثل اگر بدون هیچ شناختی از بیژنی، کاریکاتور "برج اصطلاحات" او را در روزنامه می‌دیدیم شاید گمان می‌کردیم طراح این اثر از آن‌ها برای اولین بار به چاپ رسیده می‌رسد. آن قدر تنوع و تکثر در کاریکاتورهای انتقادی بیژنی می‌بینیم که دیگر نمی‌توان با انگ "جناحی و سیاسی" از کنار آن‌ها بی‌اعتنا گذشت. و شاید برای پرهیز از تهمت‌هایی از این دست است که بیژنی بیش از اندازه صراحت به خرج می‌دهد و کاریکاتوری همانند "گر به سگ" را به تصویر می‌کشد.

۲. بیژنی را نمی‌توان یک کاریکاتوریست صرف دانست. در واقع او یک روزنامه‌نگار است که به‌جای نوشتن کاریکاتور می‌کشد. در میان کاریکاتورهای بی‌شمار او به ندرت می‌توان اثری یافت که به مفهومی انتزاعی و یا غیر روزانه اشاره داشته باشد. او برای مخاطب ایرانی روزنامه‌خوان آگاه به مسائل روز از اقتضائات کار روزنامه‌نگاری است.

۳. متأسفانه سیاست در سالیان اخیر چندان سایه سنگین خود را بر همه چیز و همه کس انداخته است که دیگر کمتر کسی را می‌توان یافت که از چشم‌انداز دیگری به مسائل پیرامون خود بنگرد. همه چیز از منظر سیاست دیده می‌شود و همه چیز با ملاک و معیار سیاست سنجیده می‌شود. اوج این تمسخر تراژیک را در کاریکاتوری می‌بینیم که رمالی با دیدن کف پای مرد فقیری در حالیکه که بر بالشی که نام "بانک مرکزی" بر آن نوشته شده، نشسته است طالع او را می‌خواند: "فقر نبود شده ... رونق اقتصادی می‌بینم!"

۴. نفی و استهزاء اهل قدرت از سوی بیژنی بی‌منا و اساس نیست و آناشسی‌گری را در پی ندارد. بیژنی به شعارهای اصیل انقلاب پای‌بند است و هرگونه تخطی از آرمان‌های اصیل انقلاب را گناهی نابخشودنی می‌داند.

توفیق بیژنی به عنوان یک روزنامه‌نگار در این بوده که همواره از منظر نفی سیاست زدگی به سیاست پرداخته است. کاریکاتورهای او ریشخندی است به شعارهای توخالی و وعده‌های مضحکانه اهل قدرت.



سبک و سیاق بیژنی
در کاریکاتور منحصر
به فراداست اما اگر
قرار باشد به دنبال
منشأ تأثیر گذاری در
کارهای او باشیم باید
از 'ناجی العلی'
کاریکاتور یست فقید
عرب نام ببریم.



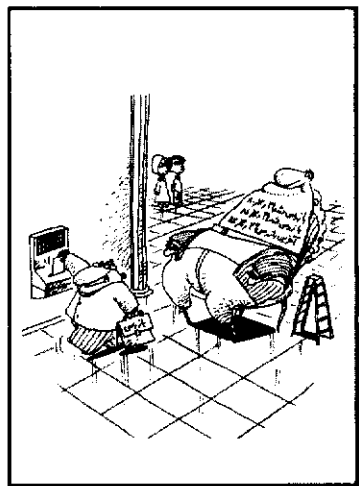
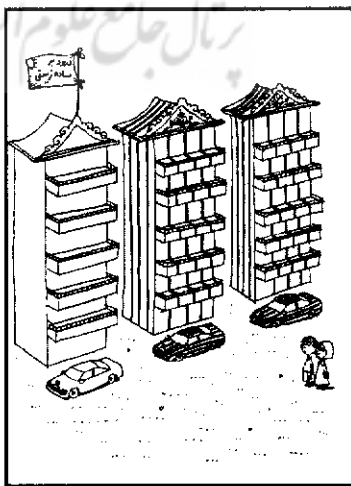
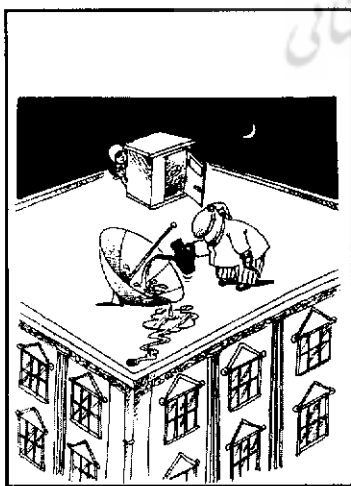
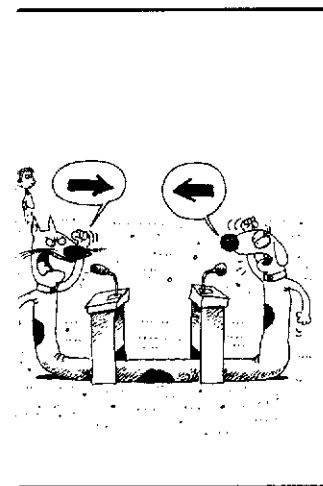
تجمل گرایی، قدرت طلبی، غرب زدگی، بی‌اعتنایی به مشکل مردم، حیف و میل بیت‌المال، ریاکاری و از همه مهم‌تر ظلم بر مردم محروم و فرودست. مردمی که بنیان‌گذار انقلاب آنها را ولی نعمت خود می‌دانست، از نگاه بیژنی به هیچ وجه قابل اغماض نیست.

۵. انقلاب اسلامی در آرمانی‌ترین و اصیل‌ترین حالت خود نفی دو گروه متحجر و متجدد مآب بود. گروه نخست با تعبیری باژگونه و قشری گرایانه رونق مسلمانی می‌بردند و گروه دوم بی‌اعتنا به باورهای دینی و فرهنگی این آب و خاک حل همه معضلات را در روی آوردن به فرنگ می‌دانستند. بنیان‌گذار انقلاب اسلامی هم از ابتدای تشکیل حکومت تا مادامی که در قید حیات بود با این دو گروه سر سازگاری نداشت و بر آن بود که از هر دو فریق به مثابه دو لبه قیچی عمل می‌کنند و علیرغم تناظر ظاهری هر دو در پی یک مقصودند. پس از رحلت آن یگانه‌دوران، گروه‌های سیاسی هر یک به اقتضای حال و مقال خود به تفسیر سخنان آن بزرگوار پرداختند. عده‌ای به بهانه مبارزه با تحجر، در دامن اباحه‌گری در غلتیدند و عده‌ای دیگر با دعوی مبارزه با تجدد، از گریبان طالبانیزم سر بر آوردند. و در این میانه هر آن کس که به هیچ‌یک از این دو فریق انحرافی وابسته نبود کمتر مجال بروز و ظهور پیدا می‌کرد. چرا که تریبون‌ها اغلب در اختیار این دو فرقه بود. بیژنی با همه دشواری‌ها و معذوریت‌هایی که برای یک روزنامه‌نگار وجود دارد توانست از این آزمون دشوار سربلند بیرون بیاید. او هم متعرض متجددین ظاهربین شد که به نام حمایت از حقوق زنان مقدمات

استعمار و استحمار آنان را فراهم می‌آورند و هم متعرض متحجرین قائم‌اللیل صائم‌الدهری که برای تطهیر ماهواره از آفتابه استفاده می‌کنند.

۶. مسؤول ستاد پی‌گیری مفاستد، پیرو یکی از اصول قانون اساسی که به اصل 'از کجا آورده‌ای؟' مشهور است به کلاغی که بر سر شاخه درختی نشسته و در دهانش قالب پنیری است با فریاد می‌گوید: 'از کجا آورده‌ای؟!'. آن کاریکاتور هوشمندانه که اشارات فرامتنی فراوانی نیز دارد از زیباترین آثار بیژنی است. اما بیژنی می‌توانست با حذف کلمه 'بیت‌المال' از روی قالب پنیر به این اثر ابعاد وسیع‌تری ببخشد و در عین حال گزندگی و طنز آن را نیز افزایش می‌دهد. منتهی بیژنی اصرار دارد که کاریکاتورهایش صریح باشند. آن قدر صریح که بیننده هیچ نقشی در شکل‌گیری آن نداشته باشد و مطلب عیناً همان چیزی را منتقل کند که بیژنی منظور کرده است. به همین دلیل کمتر کاریکاتوری را از او می‌بینیم که با نوشته‌ای همراه نباشد. گاه به نظر می‌رسد این نوشته‌ها می‌تواند کمتر باشد و یا اصلاً تمهیدی می‌توان چید تا همین اندک نوشته‌ها نیز حذف شوند که در آن صورت کاریکاتورهایش اینگونه باشند: رک و پوست‌کنده. و ظاهراً این شیوه برای تعریفی که او از کاریکاتور دارد ضروری به نظر می‌رسد.

۷. کاریکاتور یستی متعهد که سرانجام توسط صهیونیست‌ها به شهادت رسید. آثار ناجی نیز صریح و پوست‌کنده بودند. و آکنده از نوشته‌هایی که فهم کاریکاتور را برای مخاطب عام، آسوده‌تر می‌کرد. او نیز



فردی آرمانگرا و انقلابی بود که هر گونه سازش با امپریالیسم و استعمارگران خشم او را بر می‌انگیخت. اما مهم‌ترین شواهد در کاریکاتورهای ناجی‌العلی و مازیار بیژنی شاهدیست که در تمامی صحنه‌ها حضور دارد. در آثار ناجی، آن شاهد پسر بچه‌ای فلسطینی بود که همواره او را از پشت سر می‌دیدیم. و در آثار بیژنی، دو کودک را می‌بینیم که با لباسی وصله‌دار ناظر تمامی صحنه‌ها می‌باشند. دختری و پسری. با چشمانی میبهوت. ناظر حیف و میل بیت‌المال. ناظر بر باد رفتن سرمایه‌های ملی. ناظر بی‌کفایتی برخی از بزرگان. ناظر نزاع‌های چندش‌آور سیاسی. ناظر پرمدعایی‌های مدعیان اصلاحات. ناظر زاهدان ریایی و ...؟؟ در واقع آن دو کودک گواهی هستند بر تاریخ. تاریخی که تنها هنرمندان لیاقت ثبت آن را دارند.

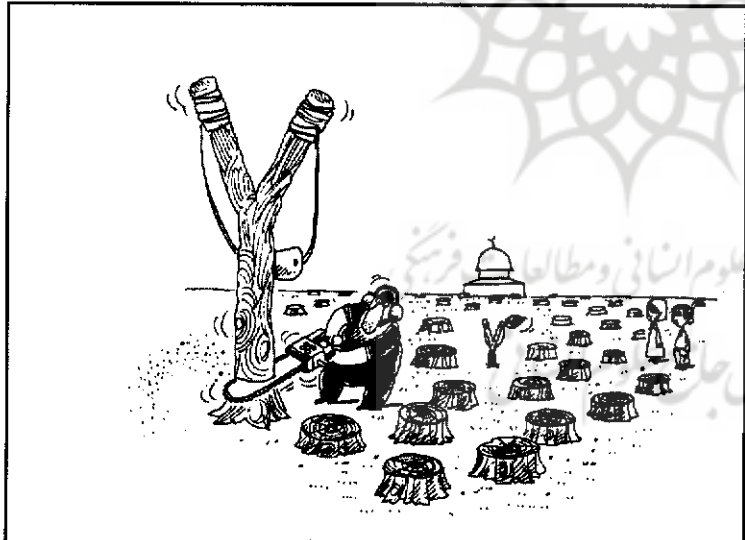


۸. بدیهی است که هنرمندی با باورهای آرمانگرایانه نمی‌تواند ذهن خود را محدود و معطوف به مسائل داخلی کند. بیژنی با همان نگاه صریح و رادیکال به سراغ مسائلی می‌رود که از مسائل جدی و مهم کنونی جهان اسلام است. مظلومیت مردم فلسطین، اشغال عراق و تمامیت‌خواهی آمریکا از مهم‌ترین مسائل جهان اسلام و بالطبع از مهم‌ترین دغدغه‌های بیژنی است.

۹. بیژنی در قبال مسأله فلسطین بسیار انقلابی عمل می‌کند. حکام عرب را موجوداتی حقیر و زبون می‌داند که از بیم از دست دادن منافع خود با رژیم اسرائیل همکاری می‌کنند، یا سر عرفات را سازشکار و خائن می‌خواند، یونسف را همکار دژخیمان اسرائیلی می‌داند و حتی شیرین عبادی را به آن دلیل مستحق جایزه نوبل می‌داند که کشتار کودکان فلسطینی را نادیده گرفته است. از نگاه او هر آنکه کوچک‌ترین اهمالی در مبارزه با اسرائیل از خود نشان دهد، دشمن مردم فلسطین به‌شمار می‌آید.

۱۰. در مسئله عراق نیز بر خلاف تبلیغات رایج و مشهور، صدام را نوکر بسی‌چون و چرای آمریکا می‌داند و حکام عرب را خائینی که به یاری آمریکا آمدند تا عراق را به چنین روزی بنشانند.

۱۱. در جهانی که بیژنی آن را تیره و تاریک ترسیم کرده است، ناامیدی جایی ندارد. کشتی به ظاهر عظیم 'تایتانیک' که نمادی از ابهت ظاهری آمریکاست به زودی غرق خواهد شد و خون کودک فلسطینی راه را بر غاصبین اشغالگر خواهد بست و پیش از آنکه صهیونیسم بین‌الملل بخواند نقش مسجدالاقصی را از صحنه تاریخ پاک کند، کودکی که ناجی‌العلی در همه آثارش او را به شهادت می‌گرفت او را محسو خواهد کرد. آیا آن کودک نمادی از خود بیژنی نیست؟ و یا هنر متعهد؟



کاریکاتورهای بیژنی در واقع آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی است. اگر مسئولین تنها حکومت شیعی جهان بخواهند که این انقلاب پایدار بماند هیچ راهی ندارد جز آنکه از منظر هنرمندانی هم چون بیژنی به مسائل خرد و کلان پیرامون خود بنگرند.